

## اعتبار ادله اثبات حاصل از

### راه‌های غیر شرعی

○ مسعود امامی \*

چکیده

به دست آوردن ادله اثبات از طرق غیر شرعی و غیر قانونی جایز نیست. این ادله در صورتی که خللی در کاشفیت آنها باشد، اعتباری ندارند و در غیر این صورت به استناد اطلاق ادله روایی معتبر می‌باشند. اطلاق قانون نیز گویای اعتبار این ادله است. کلید واژگان: ادله اثبات، بینه، شهادت، قسم، سوگند، اقرار، علم قاضی.

مقدمه

ادله اثبات در نظام قضایی اسلام عبارت است از اقرار، شهادت، سوگند و علم قاضی. تردیدی نیست که ادله اثباتی که از راه‌های شرعی و قانونی به دست آمده

معتبر است؛ اما سؤال اینجاست که آیا ادله ای که از راه های غیر شرعی یا غیر قانونی به دست آمده نیز معتبر است و می توان به واسطه آنها ادعای خود را در دادگاه اثبات کرد؟ ادله حاصل از راه های غیر شرعی یا غیر قانونی مانند اقرار زیر شکنجه یا تهدید یا فریب، علم قاضی حاصل از قراین غیر شرعی مانند تجسس حرام یا استراق سمع غیر قانونی، یا شهادت شهودی که شهادت آنها برخاسته از نگاه حرام یا ورود غیر قانونی و غیر شرعی به خانه کسی بوده است.

در این نوشتار، حکم تکلیفی و وضعی ادله اثباتی که از راه های غیر شرعی و غیر قانونی به دست آمده است بررسی می شود. مقصود از حکم وضعی، اعتبار و حجیت این ادله برای اثبات دعوا در دادگاه و غیر دادگاه است.

#### حکم تکلیفی به دست آوردن ادله غیر شرعی و غیر قانونی

حکم تکلیفی تحصیل این گونه ادله روشن است؛ زیرا معنای غیر شرعی بودن این ادله، جایز نبودن تحصیل این ادله است، مگر اینکه ضرورت، به دست آوردن چنین ادله ای را اقتضا کند، در این صورت به حکم ثانوی جایز خواهد بود و تخصصاً از عنوان ادله غیر شرعی خارج است. در استفتایی از امام خمینی آمده است:

سؤال: آیا از نظر اسلام می توان جهت اقرار و اعتراف گرفتن از افراد زانی و زانیه و لواطکار با شیوه هایی از قبیل تهدید و بلوف زدن و البته بدون کوچکترین شکنجه و فحاشی عمل کرد یا نه؟

پاسخ: جایز نیست.<sup>۱</sup>

در این فتوا امام خمینی تهدید و بلوف را برای اقرار گرفتن جایز نمی داند و به طریق اولی راه هایی همچون شکنجه در نظر ایشان نامشروع است. در اصل ۲۵

۱. امام خمینی، استفتائات، ج ۳، ص ۴۵۷، سؤال ۸.

قانون اساسی آمده است :

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر می دارد:

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

مواد ۵۷۸ و ۵۸۲ قانون تعزیرات نیز ضمانت های اجرایی این اصول قانون اساسی را بیان کرده است. در این مواد آمده است :

ماده ۵۷۸: هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

ماده ۵۸۲: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

حکم وضعی ادله غیر شرعی و غیر قانونی

۱. اقسام ادله غیر شرعی و غیر قانونی

برای دست یابی به حکم وضعی ادله مذکور لازم است اقسام این ادله تبیین شود.

غیر شرعی و غیر قانونی بودن به دست آوردن دلیل، اقسام مختلف دارد:

الف) گاهی ارتکاب عمل غیر شرعی و غیر قانونی در به دست آوردن دلیل از سوی مدعی یا وکیل او صورت گرفته است؛ مانند اینکه مدعی با فریب و وعده دروغ، شاهدی را به دادگاه آورده است و یا با فریب و وعده دروغ، طرف دعوا را به اقرار تشویق کرده است. گاهی ارتکاب عمل غیر شرعی و غیر قانونی از سوی شاهد است؛ مانند اینکه کسی به طور غیر قانونی وارد منزل دیگری شده و در آنجا شاهد جرمی بوده است. گاهی نیز ارتکاب عمل غیر شرعی و غیر قانونی از سوی پلیس و مقامات قضایی است؛ مانند اینکه پلیس یا مقامات قضایی به اجبار از متهم اقرار گرفته اند یا از راه های غیر قانونی به جمع دلایل پرداخته اند.

تذکر این نکته در اینجا لازم است که اگر شاهد، هنگام تحمّل شهادت مرتکب فعل حرامی شده باشد از عدالت ساقط است، پس اگر عدالت او هنگام اداء شهادت احراز نشود، شهادتش قبول نیست. در این صورت بی اعتباری شهادت او به سبب فقدان شرط عدالت هنگام اداء شهادت است نه به سبب ارتکاب فعل حرام هنگام تحمّل شهادت. برخی از فقهای معاصر در استفتایی در همین مورد به این نکته اشاره کرده اند.<sup>۲</sup>

۲. نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۸۶۵: «سؤال: اگر شهودی که به زنا شهادت می دهند، به صورت غیر اتفاقی زنا را مشاهده کنند، مثلاً به صورت تفحصی و جستجوگرانه و با کمین نشستن (به این صورت که مثلاً از قبل از محل قرار زانی و زانیه اطلاع یافته و آنها را زیر نظر گرفته باشند) آیا مرتکب حرام شده اند؟ در صورتی که مرتکب حرام

<

ب) دلایل غیر شرعی و غیر قانونی از منظر دیگر به دو بخش تقسیم می شوند: بخش اول دلایلی است که استفاده از راه غیر شرعی و غیر قانونی برای رسیدن به دلیل، موجب خلل در کاشفیت و اعتبار دلیل می شود؛ مانند اقرار یا شهادتی که به اجبار، اکراه و شکنجه به دست آید. تردیدی نیست که اقرار و شهادت هنگامی از آنچه بر آن اقرار شده یا شهادت داده شده کشف عقلایی می کنند که از روی اختیار باشد، اما اگر اقرار و شهادت به اجبار و اکراه باشد، عقلاً این دو دلیل را از آنچه بر آن اقرار شده یا شهادت داده شده کاشف نمی دانند. بخش دوم، دلایلی است که

> شده باشند، آیا مشاهده ای که اساس آن حرمت تکلیفی دارد می تواند به عنوان بینه شرعی معتبر باشد یا آنکه این مقدار حرمت، موجب فسخ شهود می گردد. پس شهادت آنها از باب فسخ شهود از حجیت ساقط است؟ و نیز در همین خصوص، آیا بین جایی که با اعتقاد به حلیت و به عنوان مثلاً مبارزه با منکرات و ردح آن از جامعه اقدام به چنین کاری کرده باشد و غیر آن، تفاوت هست؟

آیت الله محمد تقی بهجت: اگر با تفحص محرم باشد و آن هم ثابت شود سبب سقوط از عدالت شهود می شود و شهادتشان مقبول نیست. ۱۳۸۱/۰۵/۲۰.

آیت الله سید علی سیستانی: تجسس حرام است ولی اگر این کار با عدالت آنها منافات نداشته باشد شهادت آنها قبول می شود. ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۲۳ هـ. ق.

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی: شاهد باید عادل باشد و تفحص و تجسس از کارهای مخفی مردم حرام است و مبارزه با منکرات مجوز ارتکاب خلاف شرع نیست. البته در مواردی که می دانند کسان می خواهند مرتکب زنا بشوند باید از وقوع خلاف شرع جلوگیری نمایند والله العالم. ۱۳۸۱/۰۴/۳۱.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی: این کار جایز نیست و سبب فسق شهود می شود مگر در مواردی که علم به حرمت نداشته باشند. همیشه موفق باشید. ۱۳۸۱/۰۴/۳۰.

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: در فرض مسأله کاری که انجام می دهند، یعنی از راه جستجو و نشستن در کمین و زیر نظر گرفتن تعقیب می کنند صحیح نیست، بلکه حرام است و موجب فسق می شود. ۱۳۸۳/۰۳/۱۷.

آیت الله حسین نوری همدانی: موارد مختلف است. در صورتی که با اذن حاکم شرع باشد موجب فسق شهود نمی شود. ۱۳۸۱/۰۶/۱۴.

استفاده از راه غیر شرعی و غیر قانونی برای رسیدن به دلیل موجب خلل در کاشفیت دلیل نمی شود؛ مانند رؤیت یا استراق سمع حرام و غیر قانونی یک جرم.

## ۲. پیشینه حقوقی

اصل ۳۸ قانون اساسی - چنان که گذشت - حکم بی اعتباری برخی از مصادیق ادله غیر شرعی و غیر قانونی را که نقصان در کاشفیت دارند بیان کرده است، اما قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه در مورد اعتبار سایر اقسام و مصادیق این گونه ادله ساکت است. از این رو می توان گفت که از نظر حقوقی اطلاق مواد مربوط به اعتبار و حجیت ادله اثبات در قانون مدنی، آیین دادرسی مدنی، قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، فرضی را که این ادله از طرق غیر قانونی کسب شود نیز شامل می گردد و اعتبار این ادله با تمسک به اطلاق مواد مذکور قابل اثبات است.

در اینجا مناسب است نگاهی نیز به حقوق سایر کشورها داشته باشیم. دکتر ایرج گلدوزیان در بحث مفصلی در باره «تحصیل دلیل باطل و آثار آن در سیستم های حقوقی مختلف» به بررسی این موضوع در حقوق فرانسه و برخی از کشورهای اروپایی و غیراروپایی پرداخته است.<sup>۳</sup>

گزارش او از سیستم های حقوقی مختلف حاکی از این است که مقررات و رویه یکسانی در این مورد در بیشتر کشورهای مورد بررسی وجود ندارد. به نظر می رسد یکی از علل این تشّت و نابسامانی، علاوه بر آنچه پس از این خواهد آمد، تفکیک نکردن روشن و دقیق میان ادله غیر قانونی کاشف از واقعیت و ادله غیر قانونی ناقص در کشف، در حقوق این کشورهاست. این ادعا با مطالعه گزارش تفصیلی ایشان اثبات می شود.

۳. گلدوزیان، ادله اثبات دعوا، ص ۳۰۱-۳۱۷.

به طور خلاصه می توان گفت که بنابر گزارش ایشان، در سیستم های حقوقی کامن لا مانند سیستم های حقوقی حاکم بر کشورهای انگلیس، آمریکا، کانادا و اسرائیل گرایش کمتری به ابطال ادله غیر قانونی نسبت به کشورهای دارای حقوق نوشته شده، مانند فرانسه، آلمان، چکسلواکی، سوئد، بلژیک، هلند و پرتغال وجود دارد.

### ۳. بی اعتباری ادله غیر شرعی و غیر قانونی ناقص در کشف

از نگاه عقلی روشن است که چنین ادله ای به علت نقصان و کاستی در کشف از واقعیت، فاقد اعتبار و حجیت در دادگاه است و ادعایی با آن، له یا علیه مدعی یا متهم ثابت نمی شود، حتی می توان گفت که بی اعتباری این گونه ادله به سبب خروج تخصصی آنها از ادله اثبات است؛ زیرا دلیلی که فاقد جنبه دلالت و کاشفیت است دلیل نیست و فقط صورت ظاهری دلیل را دارد.

از نظر فقهی نیز به اجماع فقها اختیار، شرط صحت اقرار، شهادت و قسم است و به همین سبب اقرار به واسطه اکراه، اجبار و شکنجه موجب اثبات جرم و استحقاق مجازات نیست.<sup>۴</sup> روایات متعدد بر این مطلب دلالت دارد؛ مانند این روایت:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بِنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: مَنْ أَقْرَأَ عِنْدَ

۴. طوسی، النهاية، ص ۷۱۸؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۷۶، ۹۵۵؛ ابن ادریس حلی، السرائر ج ۳، ص ۴۲۹؛ محقق حلی، المختصر النافع، ص ۲۲۴؛ حلی، الجامع للشرائع، ص ۵۵۲؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۵۱، ۵۶۵؛ علامه حلی، تحریر الاحکام (ط. ق)، ج ۲، ص ۲۳۰؛ شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۹، ص ۳۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۷۹؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۱۷۲؛ امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۵۹.

### تَجْرِيدٍ أَوْ تَخْوِيفٍ أَوْ حَبْسٍ أَوْ تَهْدِيدٍ فَلَا حَدَّ عَلَيْهِ؛<sup>۵</sup>

امیر المؤمنین (ع) فرمود: هر کس در حالی که شمشیر به روی او کشیده شده یا ترسانده شده یا محبوس گردیده یا تهدید شده اقرار کند مجازاتی بر او نیست.

همچنین شرط اعتبار قسم نیز، نبودن اکراه و اجبار است.<sup>۶</sup> در استفتایی از مراجع معاصر، شهادتی که با اکراه و تهدید به دست آمده باشد نیز در عدم حجیت به اقرار ملحق شده است.<sup>۷</sup>

در منابع فقهی این مسئله در باره سرقت مطرح است که اگر کسی دیگری را با

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۳، ص ۱۸۵، ح ۱؛ همان، ج ۲۸، ص ۲۶۱.
۶. علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۴۴۵؛ فاضل هندی (اصفهانی)، کشف اللثام (ط. ق.)، ج ۲، ص ۳۴۱.
۷. نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۹۰۴۳: سؤال: آیا اقرار یا شهادتی که از طرق غیر شرعی - مثلاً با تهدید یا ایراد ضرب - اخذ می شود حجیت دارد؟  
آیت الله محمد تقی بهجت: حجیت ندارد. ۱۳۸۰/۱۱/۰۴  
آیت الله سید علی خامنه ای: صرف اقرار یا شهادت تحمیلی مادام که موجب علم نشود اعتباری ندارد. ۱۳۷۹/۰۷/۱۲  
آیت الله سید علی سیستانی: حجت نیست. ۱۳۸۰/۰۴/۰۲  
آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی: عدم حجیت چنین سؤالاتی واضح است والله العالم. ۱۳۸۱/۰۹/۰۹  
آیت الله محمد فاضل لنکرانی: خیر حجیت ندارد و منشأ اثری نمی تواند باشد. ۱۳۸۰/۰۴/۰۶  
آیت الله ناصر مکارم شیرازی: بی شک اقراری معتبر است که بدون فشار و تهدید انجام گیرد ولی اگر اقرار گیرنده مرتکب خلاف شود و اقراری با فشار بگیرد ولی بعد با قراین روشن ثابت شود که اقرار کننده حقیقت را افشاء کرده است معتبر می باشد. ۱۳۸۰/۰۳/۲۴  
آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: چنین اقرار و شهادتی حجیت تعبدیه ندارد و لکن اگر به ضمیمه قراین، علم به صحت حاصل شود، از جهت حصول علم، حجت است.



زدن، اکراه بر اقرار به سرقت کند و اقرار کننده پس از اقرار، مال مسروق را بیاورد آیا حد سرقت در مورد او جاری می شود؟ بیشتر فقها به صرف اقرار و آوردن مال مسروق، حد را جاری نمی دانند، بلکه در صورت وجود قراین قطعی بر سرقت اقرار کننده، او را مستحق حد می دانند.<sup>۸</sup> برخی از فقها به استناد روایت معتبر سلیمان بن خالد، حد را جاری می دانند.<sup>۹</sup> روایت مذکور بدین قرار است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ سَرَقَ سَرِقَةً فَكَابَرَ عَنْهَا فَضُرِبَ فَجَاءَ بِهَا بِعَيْنِهَا، هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْقَطْعُ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ لَوْ اعْتَرَفَ وَلَمْ يَجِءْ بِالسَّرِقَةِ لَمْ تُقَطَّعْ يَدُهُ؛ لِأَنَّهُ اعْتَرَفَ عَلَى الْعَذَابِ؛<sup>۱۰</sup>

سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق (ع) در باره مردی سؤال کردم که مرتکب سرقت شده، ولی آن را انکار می کند. سپس آنقدر کتک می خورد که مال مسروق را باز می گرداند. آیا در این صورت حد قطع دست در مورد

۸. علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۷۰، شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۵۱۶؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۹۵۵؛ محقق حلی، المختصر النافع، ص ۲۲۴. علامه حلی، إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۱۸۴؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۶۵؛ علامه حلی، تحرير الاحکام الشرعيه (طبع جدید)، ج ۵، ص ۳۶۵، رقم ۶۸۶۴. فخر المحققین حلی، إيضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۳۸ و ۵۳۹؛ شهید اول، اللعة الدمشقیة، ص ۲۶۲؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۹، ص ۲۷۷؛ جمال الدین حلی، المقتصر، ص ۴۱۴؛ فاضل آبی، كشف الرموز، ج ۲، ص ۵۸۰؛ فاضل هندی، كشف اللثام، ج ۲، ص ۴۲۸؛ طباطبایی حائری، ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۱۲۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۲۵ و ۵۲۶؛ امام خمینی، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۴۸۸؛ مرعشی نجفی، السرقة على ضوء القرآن و السنة، ص ۲۸۸.
۹. طوسی، النهاية، ص ۷۱۸؛ ابن براج، المهذب، ج ۲، ص ۵۴۴؛ حلی، الجامع للشرائع، ص ۵۶۱؛ علامه حلی، مختلف الشيعة، ج ۹، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.
۱۰. حرّ عاملی، وسائل الشيعة، ج ۲۸، باب ۷ از ابواب حد السرقة، ص ۲۶۰ و ۲۶۱، ح ۱.

او جاری می‌شود؟ امام صادق (ع) فرمود: بله، ولی اگر اعتراف کرد و مال

را نیاورد دستش قطع نمی‌شود؛ زیرا با شکنجه اعتراف کرده است.

از این روایت فهمیده می‌شود که آوردن مال سرقت شده توسط اقرار کننده دلیل مفید علم بر ارتکاب سرقت توسط اوست. از این رو، اجرای حد سرقت مستند به اقرار نیست، بلکه مستند به قرینه موجب علم قاضی است. پس هیچ یک از فقها اقرار به واسطه اکراه و اجبار را موجب ثبوت جرم نمی‌داند، بلکه آوردن مال مسروق را نیز لازم می‌شمارند؛ به علاوه، بیشتر آنان آوردن مال مسروق را نیز مادامی که موجب علم برای قاضی نشود مفید برای ثبوت جرم ندانسته‌اند.

توجه به این نکته لازم است که حجیت نداشتن چنین دلایلی به سبب یک امر اعتباری - یعنی غیر قانونی بودن آن دلایل - نیست، بلکه به این سبب است که این ادله عقلاً فاقد اقتضاء حجیت و دلایلیت است. بنابراین، حتی اگر فرض کنیم که قانون گذار به دست آوردن چنین دلایلی را منع نکرده باشد باز هم این گونه دلایل فاقد کاشفیت واقعی و عقلایی است. پس تا آن امر حقیقی وجود دارد قانون گذار حکیم چنین دلایلی را فاقد اعتبار می‌داند.

#### ۴. اعتبار عقلی ادله غیر شرعی و غیر قانونی کاشف از واقعیت

چنان که گذشت در این گونه ادله، خللی در کاشفیت دلیل غیر قانونی و غیر شرعی وجود ندارد؛ یعنی نگاه حرام و غیر قانونی به ارتکاب قتل یا زنا، یا استماع حرام و غیر قانونی اقرار متهمی به جرم قتل یا زنا، واقعاً و عقلاً کاشف از وقوع قتل و زنا است. پس این گونه ادله اقتضای دلیل بودن را دارند. به همین سبب، شارع یا قانون گذار می‌تواند آنها را معتبر بشمارد و حتی به سبب مصلحت یا ضرورتی اهم، منع شرعی یا قانونی کسب چنین دلیلی را بردارد و حکم تکلیفی آن را به جواز تبدیل کند. استفتایی از حضرت آیت الله فاضل لنکرانی گویای همین نکته

است که در موارد ضروری، منع شرعی و قانونی تحصیل این ادله برداشته می شود.<sup>۱۱</sup>

#### ۵. اعتبار قانونی ادله غیر شرعی و غیر قانونی کاشف از واقعیت

پس از اینکه روشن شد که کاشفیت عقلی و واقعی این گونه دلایل محرز است، این پرسش مطرح می شود که آیا این گونه دلایل، قانوناً نیز حق و یا جرمی را در دادگاه ثابت می کند یا خیر؟ به عبارت دیگر، این گونه دلایل به سبب کشف از واقعیت، اقتضاء صحت و اعتبار را دارد و سخن در این است که آیا ملاک و مصلحتی وجود دارد که مانع از این اقتضاء اولی شود؟

اگر ملاک و مصلحتی مهم تر از کشف واقعیت که موجب بطلان این ادله شود وجود داشته باشد، عقل به استناد مصلحت اهم، به بطلان این ادله حکم می کند و در غیر این صورت، حکم عقل به استناد مصلحت کشف واقع، صحت و اعتبار این ادله است.

نخستین ملاکی که می تواند به عنوان مانع تلقی شود، ملاک و مفسده ای است

۱۱. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۲۲: «استفتاء: اخیراً شایع است که با کنترل تلفن افراد به مدت طولانی سعی و تلاش در این می نمایند که جرمی برای فرد پیدا نمایند. اولاً آیا قاضی حق اعطاء چنین حکم کنترلی (در غیر مصالح حکومتی) دارد یا خیر؟ ثانیاً آن موارد دلیل شرعی به محکومیت فردی هست یا خیر؟ آیت الله محمد فاضل لنکرانی: نظر به اینکه هدف از حکومت حقه الهیه تثبیت موازین شرع و تنفیذ احکام اسلام است لذا لازم بلکه ضروری است که بر خلاف موازین شرع عمل نشود. بلی در بعض موارد حفظ نظام یا مصالح عامه مردم یا برقرار کردن واجبی مهم متوقف بر ارتکاب محرم و خلاف شرعی است که به درجه اهمیت آن امور نمی رسد و در چنین مواردی مسأله تراحم و اهم و مهم پیش می آید که لازم است رعایت مرجحات و اهم و مهم بشود و در حد ضرورت اقدام شود. و چنانچه در موارد ضروری نواری به دست آمد، نفس نوار دلیل نمی شود. قاضی باید طبق موازین باب قضا و اقرار و شهود و علم خود عمل کند.»

که در حرمت و ممنوعیت به دست آوردن این گونه ادله وجود دارد. پس مفسده ای که به سبب حرمت تکلیفی در تحصیل این ادله وجود دارد هر چند لطمه ای به کاشفیت آن نمی زند ولی ممکن است قانون گذار به سبب دور کردن مردم از ارتکاب این حرام به بی اعتباری این ادله حکم کند. به عبارت دیگر، هدف قانون گذار این است که مردم و مقامات قضایی بدانند که با فعل حرام و غیر قانونی مانند تجسس نامشروع، چیزی در دادگاه ثابت نمی شود تا در این صورت تمایلی به اینگونه کارها پیدا نکنند.

به نظر می رسد با توجه به نکات ذکر شده نمی توان از نظر عقلی به روش واحدی در مورد اعتبار یا عدم اعتبار این قسم از ادله در همه جرایم و حقوق رسید؛ زیرا چه بسا در برخی از جرایم و حقوق مهم مثل قتل عمد، مصلحت کشف واقع بر مصلحت دور کردن مردم و مقامات قضایی از تحصیل ادله غیر شرعی و غیر قانونی، رجحان داشته باشد و به عکس، در برخی دیگر از جرایم و حقوق غیر مهم، مصلحت دور کردن مردم و مقامات قضایی از تحصیل ادله غیر شرعی و غیر قانونی بر مصلحت کشف واقع، رجحان یابد. شاید علت اینکه در حقوق کشورهای مختلف - چنان که گذشت - مقررات و رویه یکسانی در این مورد وجود ندارد همین نکته است.

#### ۶. تأسیس اصل اولی

با توجه به تحلیل ارائه شده در بندهای قبل می توان اصل اولی هنگام شک در اعتبار این قسم از ادله غیر شرعی و غیر قانونی را تعیین کرد؛ زیرا این قسم از ادله،

۱۲. در موارد شک در مانع به اتفاق همه اصولیان استصحاب عدم مانع جاری است. اختلاف اصولیان در موارد شک در مقتضی است که به نظر شیخ انصاری و بیشتر اصولیان، استصحاب جاری نیست و به نظر آخوند خراسانی و برخی دیگر جاری است.

اقتضای حجیت و اعتبار را دارند و هنگام شک در وجود مانع، اصل عدم مانع است.<sup>۱۲</sup> پس در صورت فقدان دلیل اجتهادی، اقتضای اصل اولی، اعتبار این گونه ادله است.<sup>۱۳</sup>

#### ۷. اعتبار شرعی ادله غیر شرعی و غیر قانونی کاشف از واقعیت

به دلایل پیش رو می توان گفت که این قسم از ادله به دست آمده از راه های غیر قانونی و غیر شرعی دارای حجیت و اعتبار شرعی می باشند. به عبارت دیگر، هر چند حکم تکلیفی اکتساب چنین دلایلی حرمت است، اما حکم وضعی آنها اعم از اینکه به نفع متهم یا علیه او باشد صحت و حجیت شرعی است. ادله شرعی مورد استناد بدین قرار است:

دلیل اول: اطلاق ادله لفظی حجیت اقرار، بینه، علم قاضی و قسم در قرآن کریم و روایات، شامل مواردی که این دلایل از راه ها و مقدمات نامشروع تحصیل شده باشد نیز می گردد.<sup>۱۴</sup> حجیت هیچ یک از این ادله در قرآن و روایات به موردی که از راه های مشروع تحصیل شود، مقید نشده است.

پس اگر شاهدی بدون اجازه صاحب خانه ای وارد منزل او شود و شاهد وقوع جرمی باشد، شهادت او در صورت احراز عدالتش هنگام اداء، معتبر است؛ هر چند راه رسیدن به تحمل این شهادت غیر شرعی است و یا اگر شاهدی به سبب وعده ای دروغ، حاضر به اداء شهادت شود در این صورت نیز شهادت او معتبر

۱۳. پس از این خواهد آمد که با وجود اطلاق لفظی ادله قرآنی و روایی برای حجیت ادله غیر قانونی کاشف از واقع، جایی برای اجرای اصل باقی نمی ماند.

۱۴. مراجعه شود به: حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۱، ابواب صفات القاضی و ما یجوز أن یقضی به (ابواب کیفیت الحکم و احکام الدعوی، ص ۲۲۹)؛ کتاب الشهادت، ص ۳۰۷.

است؛ هر چند راه رسیدن به اداء این شهادت غیر شرعی می باشد.

توجه به این نکته لازم است که در ادله روایی اعتبار چهار شاهد عادل در جرم زنا، هیچ اشاره ای به بی اعتباری شهادتی که از راه غیر شرعی حاصل شده باشد، نشده است؛ در حالی که شهادت دقیق و بالمعاینه بر جرم زنا به گونه ای که شاهد به تعبیر روایات، دخول و خروج را دیده باشد، غالباً خالی از نگاه حرام نیست. پس ترك استفصال در روایات شهادت بر زنا میان موارد غالبی که تحمل شهادت با گناه همراه است و مواردی که تحمل شهادت با گناه همراه نیست، گویای این است که اعتبار شهادت در زنا به شهادتی که از راه های شرعی تحصیل شده باشد مقید نیست.

به عبارت دیگر، نهی تکلیفی از برخی مقدمات تحصیل دلیل اثبات، با امضای حجیت آن منافاتی ندارد. اصولیان همین بحث را در مسئله نهی در معاملات مطرح کرده اند. بنابر نظر بیشتر اصولیان، نهی در معاملات موجب فساد معامله نیست، زیرا «اگر دلیل امضا دارای اطلاق و عمومی باشد، نهی تکلیفی از معامله ای موجب تقیید یا تخصیص اطلاق و عموم دلیل امضا نیست؛ چون منعی وجود ندارد که حکم تکلیفی معامله ای، حرمت و حکم وضعی آن صحت باشد».<sup>۱۵</sup>

اثبات صحت ادله حاصل از راه های غیر شرعی بر این اساس نسبت به صحت معامله در بحث نهی در معاملات به طریق اولی است؛ زیرا در بحث نهی در معاملات، نهی به طور مستقیم متوجه ایجاد معامله است.<sup>۱۶</sup> اما در بحث ادله غیر قانونی، نهی تکلیفی متوجه مقدمات تحصیل دلیل است. پس به طریق اولی

۱۵. خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۵، ص ۴۱.

۱۶. اصولیان در بحث نهی در معاملات فرض های مختلفی را در مورد توجه نهی به سبب، مسبب و غیره مطرح کرده اند. در این مورد به منابع اصولی مراجعه شود.

منافاتی میان حرمت تکلیفی تحصیل دلیل و صحت وضعی آن نمی باشد.

دلیل دوم: هر چند مسئله مطرح شده در سؤال به طور صریح در منابع روایی و فقهی یافت نمی شود، ولی مسئله دیگری در کتابهای فقهی و در منابع روایی مطرح شده که می تواند ما را در رسیدن به پاسخ درست یاری رساند. در منابع روایی و فقهی، شرایط متعددی برای شاهد ذکر شده است؛ از جمله این شرایط، بلوغ، عدالت و ایمان است. مسئله ای که در روایات و به تبع آن در کتب فقهی مطرح شده این است که اگر شاهد هنگام تحمّل شهادت فاقد یکی از این شرایط باشد ولی هنگام ادای شهادت دارای همه شرایط باشد؛ مثلاً اگر شاهد هنگام تحمّل شهادت، صغیر یا فاسق یا غیر مسلمان باشد ولی هنگام اداء شهادت بالغ و عادل و مؤمن باشد، آیا در این صورت شهادتش معتبر است یا خیر؟

صاحب جواهر پس از پذیرش اعتبار چنین شهادتی می گوید: «روایات مستفیض یا متواتر و اجماع محصل و منقول بر اعتبار چنین شهادتی است». ۱۷. فقهای دیگر نیز همین نظر را پذیرفته اند. ۱۸.

دلیل فقها برای این فتوا علاوه بر روایات وارد شده در خصوص این موضوع، ۱۹ این است که از ادله اشتراط این شرایط به دست می آید که شرایط

۱۷. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۸۶.

۱۸. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۲۰؛ علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیة، ج ۲، ص ۲۱۱؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۴۹۷؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱۰، ص ۳۱۱؛ طباطبایی حائری، ریاض المسائل (ط - القدیمة)، ج ۲، ص ۴۳۸؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۹۹؛ امام خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۴۴؛ گلپایگانی، کتاب الشهادت، ص ۱۸۵؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، القضاء والشهادت، ص ۴۴۹؛ تبریزی، أسس القضاء والشهادة، ص ۴۸۴.

۱۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴۲: بَابُ أَنَّ الصَّبِيَّ إِذَا تَحَمَّلَ الشَّهَادَةَ قَبْلَ الْبُلُوغِ وَ شَهِدَ بِهَا بَعْدَهُ قُبِلَتْ؛ و نیز مراجعه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۸۷: بَابُ أَنَّ الْكَافِرَ إِذَا أَشْهَدَ عَلَى شَهَادَةٍ ثُمَّ أَسْلَمَ فَشَهِدَ بِهَا قُبِلَتْ.

مزبور، شرایط هنگام ادای شهادت است، نه شرایط هنگام تحمّل شهادت. بنابراین اگر کسی هنگام تحمّل شهادت فاسق باشد ولی پس از آن توبه کند و هنگام اداء شهادت عادل گردد، شهادت او پذیرفته می شود.

از این حکم شرعی که مستند به روایات معتبر است فهمیده می شود که آنچه مورد نظر شارع در شرایط و قیود برای حجیت ادله اثبات دعوا می باشد، طریقت و کاشفیت واقعی و عقلایی این ادله است و اموری که دخالتی در این موضوع ندارند نمی توانند به عنوان شرط و قید برای دلایل اثبات تلقی شوند. بنابراین چون عدالت، ایمان و بلوغ حین اداء شهادت در کاشفیت از واقع تأثیرگذار هستند به عنوان شرایط شاهد، قید شده اند و به همین سبب چون عدالت، ایمان و بلوغ حین تحمّل شهادت، تأثیری در کاشفیت ندارند از جمله شرایط شاهد نیستند. همین ملاک در مسئله مورد بحث ما نیز وجود دارد؛ زیرا ارتکاب فعل حرام در تحصیل دلیل، خللی به کاشفیت آن وارد نمی کند، بنابراین می توان گفت که چنین دلیلی دارای حجیت و اعتبار است.

همچنین می توان گفت که اطلاق فتوای همه فقها در این مسئله به اعتبار شهادت شاهدهی که هنگام تحمّل شهادت فاسق است ولی هنگام اداء شهادت عادل می باشد، شامل فرضی می شود که تحمّل شهادت شاهد فاسق از طرق غیر شرعی باشد. اگر نظر فقها در این قسم از ادله غیر شرعی بر عدم حجیت بود، بسیار مناسب بود که ذیل همین مسئله متذکر می شدند که اگر شاهدهی که هنگام تحمّل شهادت فاسق است از راه غیر شرعی متحمّل شهادت شود شهادتش حجت نیست؛ در حالی که هیچ یک از فقهاء - با تتبع فراوان - چنین فتوایی نداده است. پس اطلاق فتوای فقها بر حجیت شهادت شاهدهی که هنگام تحمّل شهادت، فاسق و هنگام اداء شهادت، عادل است دلیل معتبری برای مقلدین می باشد.

نگارنده برای تکمیل این پژوهش، استفتایی برای مراجع معاصر ارسال کرده



است که برخی از آنها به آن پاسخ داده‌اند. پاسخ ارائه شده از سوی آنها مطابق نتیجه این پژوهش است. متن استفتاء و پاسخ ارائه شده بدین قرار است:

سؤال: اگر در طریق تحصیل ادله اثبات دعوا (بیّنه، اقرار، علم قاضی و قسم) خلاف شرعی از طرف مدعی یا شاهد یا مقامات قضایی صورت گیرد؛ مانند اینکه اقرار متهم تحت اجبار و شکنجه باشد یا شاهد با ارتکاب نگاه حرام، شاهد جرمی باشد. در این صورت در موارد ذیل علاوه بر حکم تکلیفی حرمت تحصیل چنین ادله‌ای، حکم وضعی حجیت و اعتبار این ادله چگونه خواهد بود؟

الف) ارتکاب فعل حرام موجب خلل در کاشفیت دلیل گردد؛ مانند اینکه اقرار و شهادت تحت اجبار و اکراه صورت گیرد؟

ب) ارتکاب فعل حرام موجب خلل در کاشفیت دلیل نشود؛ مانند اینکه تحمل شهادت با نگاه حرام باشد؟

ج) آیا در حکم شرعی موارد فوق تفاوتی میان ارتکاب فعل حرام توسط مدعی یا شاهد یا مقامات قضایی یا شخص دیگری وجود دارد؟  
آیت الله ناصر مکارم شیرازی:

روشن است که اگر اقرار به صورت اکراه و اجبار انجام گیرد حجیت ندارد ولی اگر اقرار مذکور سبب کشف ادله معتبر دیگری شود آن ادله معتبر است هر چند اقرار اجباری کار خلافی بوده است. همچنین شهادتی که با مقدمه حرام انجام گرفته باشد اعتباری ندارد مگر اینکه شاهد توبه کرده باشد و صفت عدالت در او احراز گردد. ۱۳۸۹/۰۵/۱۳

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی:

الف) اقرار و شهادت اکراهی اعتبار ندارد. ب) تحمل شهادت با نگاه حرام موجب عدم اعتبار شهادت نمی‌شود مگر این که منجر به سقوط شاهد از

عدالت گردد. ج) به نحوی فرق وجود دارد؛ در مدعی عدالت شرط نیست ولی در قاضی و شاهد عدالت مشروط است. لذا اگر ارتکاب حرام باعث شود که قاضی حین قضاوت یا شاهد حین ادای شهادت عدالت نداشته باشد ارتکاب حرام موجب خلل می شود. ۲۰۱۳۸۹/۰۵/۲۱

#### نتیجه

اگر ادله ای که از طرق غیر شرعی و غیر قانونی به دست آمده است به سبب ارتکاب عمل غیر شرعی و غیر قانونی، خللی در کاشفیت و دلالت آنها به وجود آمده باشد، علاوه بر حرمت شرعی و ممنوعیت قانونی از اعتبار و حجیت نیز ساقط است؛ اما اگر به سبب ارتکاب عمل غیر شرعی و غیر قانونی خللی در کاشفیت و دلالت آنها به وجود نیامده باشد در این صورت دارای حجیت و اعتبار شرعی و قانونی است.

#### منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۲. ابن برآج طرابلسی، عبد العزیز، المهدب، ۲ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۳. امام خمینی، سید روح الله، استفتاءات، ۳ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ هـ. ق.

۲۰. نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۷۴۵۶.

- ٤ . \_\_\_\_\_ ، تحرير الوسيلة ، ٢ جلدی ، مؤسسه مطبوعاتی دار العلم ، چاپ اول ، هـ. ق .
- ٥ . تبریزی ، جواد بن علی ، أسس القضاء والشهادة ، یک جلدی ، قم ، دفتر مؤلف ، چاپ اول ، بی تا .
- ٦ . حائری طباطبایی ، سید علی بن محمد ، ریاض المسائل (ط - الحدیثه) ، ١٦ جلدی ، قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، چاپ اول ، ١٤١٨ هـ. ق .
- ٧ . حرّ عاملی ، محمد بن الحسن ، وسائل الشیعة ، ٣٠ جلدی ، قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، چاپ اول ، ١٤٠٩ هـ. ق .
- ٨ . حلّی ، جمال الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد ، المقتصر من شرح المختصر ، یک جلدی ، مشهد ، مجمع البحوث الإسلامية ، چاپ اول ، ١٤١٠ هـ. ق .
- ٩ . حلّی ، یحیی بن سعید ، الجامع للشرائع ، یک جلدی ، قم ، مؤسسه سید الشهداء العلمیة ، چاپ اول ، ١٤٠٥ هـ. ق .
- ١٠ . خویی ، سید ابوالقاسم ، محاضرات فی أصول الفقه ، قم ، بی نا ، چاپ چهارم ، ١٤١٧ هـ. ق .
- ١١ . \_\_\_\_\_ ، مبانی تکملة المنهاج ، ٢ جلدی ، قم ، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ، چاپ اول ، ١٤٢٢ هـ. ق .
- ١٢ . شهید اول ، محمد بن مکی عاملی ، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیة ، یک جلدی ، بیروت ، دار التراث - الدار الإسلامية ، چاپ اول ، ١٤١٠ هـ. ق .
- ١٣ . شهید ثانی ، زین الدین بن علی عاملی ، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية (محشّی - کلانتر) ، ١٠ جلدی ، قم ، کتابفروشی داوری ، چاپ اول ، ١٤١٠ هـ. ق .
- ١٤ . \_\_\_\_\_ ، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام ، ١٥ جلدی ، قم ،

- مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۱۵ . طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، یک جلدی، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ هـ. ق.
- ۱۶ . علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ۲ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۱۷ . \_\_\_\_\_، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، ۶ جلدی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.
- ۱۸ . \_\_\_\_\_، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - القديمة)، ۲ جلدی، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، بی تا.
- ۱۹ . \_\_\_\_\_، قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام، ۳ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۲۰ . \_\_\_\_\_، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ۹ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۲۱ . فاضل آبی، زين الدين ابو على الحسن بن ابى طالب بن ابوالمجد، كشف الرموز في شرح المختصر النافع، ۲ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ هـ. ق.
- ۲۲ . فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - القضاء والشهادات، یک جلدی، قم، مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.
- ۲۳ . \_\_\_\_\_، جامع المسائل (فارسی)، دو جلدی، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ. ش.

- ۲۴ . فاضل هندی، بهاء الدين محمد بن الحسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ.ق.
- ۲۵ . فخر المحققین حلی، ابوطالب محمد بن الحسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ جلدی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷هـ.ق.
- ۲۶ . گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶ .
- ۲۷ . محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ۲ جلدی، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۱۴۱۸هـ.ق.
- ۲۸ . \_\_\_\_\_، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلدی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸هـ.ق.
- ۲۹ . مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، السرقة علی ضوء القرآن و السنة، یک جلدی، قم، انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره -، چاپ اول، ۱۴۲۴هـ.ق.
- ۳۰ . موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، کتاب الشهادات، یک جلدی، قم، جناب مقرر کتاب، چاپ اول، ۱۴۰۵هـ.ق.
- ۳۱ . نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴هـ.ق.
- ۳۲ . نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، قوه قضائیه، معاونت آموزش.